کاربست نظریه منطق گفتگویی باختین در مناظرات امام صادق علیه‌السلام
اسماء ایرانمنش / احمد زارع زردینی (نویسنده مسئول) / کمال صحرایی
علمی - پژوهشی
فصلنامهٔ تخصّصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه
سال بیست و یکم، شمارهٔ ۸۲ «ویژهٔ پژوهش‌های حدیثی»، بهار ۱۴۰۳، ص ۱۱۳-۱۲۸

کاربست نظریه منطق گفتگویی باختین در مناظرات امام صادق علیه‌السلام با ابن‌ابی‌العوجاء *

اسماء ایرانمنش[۱] / احمد زارع زردینی (نویسنده مسئول)[۲] / کمال صحرایی[۳]

چکیده

یکی از راهبردها و ابزارهای مبارزاتی و تبلیغی امام صادق علیه‌السلام با توجه به وجود جریان‌ها و نحله‌های دینی، سیاسی و فرهنگی زمانه مناظره است که با سازوکارهای زبانی و غیرزبانی مختلف در جهت ارتباط با فرد مقابل برآمده و به دفاع از اندیشه اسلامی در پرتو گفتگو در تعامل پرداخته‌اند. نظریه گفتار یا منطق گفتگویی میخائیل باختین از رویکردهای جدید در خوانش و نقد متون است. باختین نظریه خود را بر مؤلفه‌هایی استوار کرده که در شکل‌گیری سخن و گفته مؤثرند. وی گفتار را دارای زمینه غیرزبان‌شناختی و بافت می‌داند و در حیطه فرازبان‌شناسی به مطالعه گفتار می‌پردازد. این مقاله پس از معرفی مختصر نظریهٔ گفتار باختین به عنوان یک مدل برای فهم بهتر روایات به بررسی مؤلفه‌های گفتار در مناظرات امام صادق علیه‌السلام با ابن‌ابی‌العوجاء پرداخته و با روش توصیفی- تحلیلی نقش هر یک از این مؤلفه‌ها را در فهمِ جامع‌ترِ متن مناظرات بیان می‌کند.

کلیدواژه: امام صادق علیه‌السلام، مناظره، باختین، گفتار، ابن‌ابی‌العوجاء.

---

* دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۰۶؛ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۵.

۱. دانشجوی دکتری گروه علوم قرآن و حدیث دانشکده الهیات دانشگاه میبد E: airanmanesh302@gmail.com
۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشکده الهیات دانشگاه میبد E: zarezardini@meybod.ac.ir
۳. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشکده الهیات دانشگاه میبد E: sahraei@meybod.ac.ir

۱. مقدمه

یکی از جریان‌های فکری که به صورت سازمان یافته در زمان امام صادق فعالیت گسترده‌ای داشت، جریان الحاد و مادیگری است که ریشه در گذشته و حتی جاهلیت دارد. ابن‌ابی‌العوجاء در زمان امام صادق چنین گرایشی داشته و بارها با امام به مناظره پرداخته است. امام نیز مناظره را راهبردی منطقی برای مرزبندی اندیشه تشیع با الحاد و تعامل با مادیگران در نظر گرفته و با این روش مبانی الحاد و مادیگری را به چالش کشیده و به بیان عقاید ناب اسلامی به ویژه توحید می‌پردازند.

یکی از بایسته‌های پژوهش در موضوع حدیث ارائه بحث‌های بنیادی و نظری است که بتواند نوع نگاه به پدیده حدیث را تعمیق دهد، در ضمن این‌که ناظر به میزان دخالت و اثر حواشی یک متن و ورود برخی مؤلفه‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و... در تولید یک متن باشد. یک مدل و روش منسجم که در شناخت حدیث و بررسی انواع حدیث می‌توان ارائه داد، روش منطق گفتگویی باختین است. توجه به مؤلفه‌های گفتار در بررسی انواع روایات می‌تواند به بازسازی محیط، سیاق، عناصر دخیل و شرایط صدور و تولید روایات برای فهم بهتر آن کمک کند. یکی از اهداف این روش آن است که نشان دهد یک متن ناظر به چه گفتارها، اعمال، رفتارها و یا متونی و با چه هدفی ایجاد شده است، اگر چه اثری از آنها در متن حاضر وجود ندارد و از متن نشانگرهای بیرونی را شناسایی کرده، نشان می‌دهد چه طور عناصر بیرونی یک متن همانند مکان، زمان، مخاطب، گوینده، شرایط اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و.... در متن متبلور شده و خودشان را نشان خواهد داد.

نظریه منطق گفتگویی باختین به معرفی مؤلفه‌های گفتار می‌پردازد و گفتار را موجودیتی ورای زبان‌شناسی معرفی می‌کند، در پی عوامل تشکیل دهنده یک گفته یا سخن است که در فهم یک سخن اثر خود را نشان داده و با بازسازی فضای صدور و توجه به شرایط تولید یک گفته، سعی در نشان دادن سهم هر یک از مؤلفه‌ها در تشکیل و فهم گفتار دارد. منطق گفتگویی محصول نگاه اجتماعی به زبان است. همچنان‌که به قول فوکو: «سلطه در زبان، تولید و بازتولید می‌شود» (انصاری، ۱۳۸۴ش، ۱۱).

این مقاله با هدف شناخت و فهم بهتر و جامع‌ترِ متن مناظرات با استفاده از روش‌های نوین دست به خوانشی جدید از مناظرات امام صادق با ابن‌ابی‌العوجاء می‌زند، ضمن بیان نظریهٔ گفتگومندیِ باختین و ارائهٔ روش وی در تحلیل گفتگو به عنوان مدل و الگوی تحلیل در جهت خوانش (فهم) حدیث و معرفی مؤلفه‌های گفتار باختین، هر یک را در این مناظرات بررسی می‌کند، سعی در بومی‌سازی این روش بر همه متون کهن و تاریخی به ویژه حدیث دارد و به پاسخ تفصیلی این سؤال می‌پردازد که نقش مؤلفه‌های منطق گفتگویی باختین در فهم بهتر متن مناظرات چیست؟ به نظر می‌رسد که بررسی هریک از مؤلفه‌های گفتار باختین در متن مناظرات به فهم هر چه بیشتر و بهترِ آن کمک کرده و عوامل و شاخص‌های تشکیل دهندهٔ یک گفتار در مناظرات به وضوح قابل بررسی و تحلیل است.

۲. پیشینه پژوهش

بررسی‌های زیادی بر روی مناظرات امام صادق در ابعاد گوناگون صورت گرفته است؛ اما مهمترین آنان که مشابه موضوع این گفتار است، مقاله تحلیل گفتمان احتجاجات و مناظره‌های امام صادق (۱۳۹۶) از مجیدی و اعتضادی‌فر است که در آن به صورت کلی به مباحث تحلیل گفتمان در همه مناظرات امام پرداخته شده است؛ در مقالهٔ کاربست روش تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف در مناظره امام صادق با عمرو بن عبید معتزلی (۱۴۰۰) روش انتقادی فرکلاف بر روی مناظره با ابن‌عبید بررسی شده است. همچنین مقالات چندی در تحلیل خود از روش باختین استفاده کرده‌اند، یکی از مهمترین آنان با رویکرد اسلامی مقاله نقد و بررسی خطبه قاصعه نهج‌البلاغه در پرتو نظریه منطق گفتگویی باختین (۱۳۹۹) از ستاری و مجیدی است که مؤلفه‌های گفتگویی باختین را در خطبه قاصعه امام علی علیه‌السلام بررسی کرده است. اما این روش بیشتر بر روی متون ادبی کار شده است و کمتر پژوهشگران از این روش در متون اسلامی و تاریخی استفاده کرده‌اند.

با توجه به پیشینه ذکر شده تاکنون پژوهشی مستقل بر روی مناظرات امام صادق و ابن‌ابی‌العوجاء با رویکرد منطق گفتگویی باختین صورت نگرفته است.

۳. درآمدی بر نظریه گفتار یا گفتگومندی باختین[۱]

باختین از جمله اندیشمندانی است که به سخن، نگاهی فراتر از کلمات و واژگان داشت و گفتار را تک بعدی و در سطح قواعد واج شناسی نمی‌دانست. وی معتقد بود زبان‌شناسی ابزاری برای دستیابی به اهداف فرازبان‌شناسی است.

زبان‌شناسی با واژگان و دستورهای نحوی شروع و به جمله ختم می‌شود؛ ولی مطالعات فرازبان‌شناختی ابتدا با جمله‌ها و زمینهٔ اظهار سروکار دارد و در انتها به گفتار می‌رسد. لذا باختین به سخن و گفتار، فراتر از یک جمله نگاه می‌کرد و معتقد بود که گفتار، بخشی پنهان با خود دارد که برای درک درست یک سخن باید به بازسازی شرایط صدور سخن و آواهای گوناگونی که در پدید آمدن آن مؤثرند توجه کرد.

«برای این‌که فهم فعال و زنده‌ای از معنای یک گفته و سخن در هنگام بازآفرینی یک واقعه وجود داشته باشد، باید روابط متقابل گویندگان آن بازآفرینی شود و این در دوباره بازی کردن آن واقعه اتفاق می‌افتد. کسی که گفته و سخن را می‌فهمد، حامل نقش شنونده است و آن را بازی می‌کند. وی برای انجام نقش خود باید نسبت به وضعیت دیگر مشارکت جویان در بازی درک واضح و روشنی داشته باشد» (تودوروف به نقل از باختین، ۱۳۷۷، ۹۸). ازین رو به بررسی شرایط تحقق یک گفته برمی‌آید.

باختین گفتار را تنها ماده زبان‌شناختی نمی‌داند و آن را دارای زمینه اظهار که غیرزبانی است می‌داند. زمینه غیرزبانی گفتار، از نظر وی شامل افق مکانی- زمانی (کرونوتوپ) و موضوع مورد بحث هم سخنان، دانش مشترک و ارزیابی مشترک یا رابطه افراد هم کلام است.

با اظهار یک گفتار، موجودیتی نه در زبان بلکه در ارتباط کلامی به وجود می‌آید، پس بستر یک گفتار اجتماع است. وی مهم‌ترین خصلت گفتار را اجتماعی‌بودن معرفی می‌کند و آن را ناشی از دو چیز می‌داند. گفتار همواره خطاب به کسی ایراد می‌شود و گوینده خود موجودی اجتماعی است. گفتار بینافردی است، سخن تنها به گوینده تعلق

---

۱. قابل ذکر است که معرفی این نظریه و مؤلفه‌ها و شاخص‌های گفتار در این قسمت، برداشتی آزاد از فصل چهارم کتاب منطق گفتگویی میخائیل باختین از تزوتان تودوروف است. البته فقط به نظریه گفتار از این کتاب پرداخته و وارد بقیه نظریات باختین نشده است.

ندارد و شنونده در ایفای آن نقش دارد. از این سخن باختین، نقش گوینده و مخاطب در شکل‌گیری گفتار مشخص می‌شود.

وی مضمون گفتار را متشکل از اَشکال زبانی (کلمات، اَشکال صرفی، نحوی، آواها، آهنگ و نواخت) و فرازبانیِ موقعیت موجود می‌داند و ادامه می‌دهد که نادیده گرفتن عوامل فرازبانی باعث عدم فهم گفتار خواهد شد.

یکی دیگر از مؤلفه‌هایی که باختین در شکل‌گیری گفتار برشمرده، جنبه ارزشی گفتار و نقش افق ایدئولوژیک گویندگان و شنوندگان گفتار است.

وی دو ویژگی حالت (حرکت دلالتگرانۀ بدن) و آوا را جزء امکانات غیرزبانی برای بیان ارزش‌ها و قضاوت ارزشی را جزء افق‌های مشترک هم‌سخنان معرفی می‌کند؛ همچنین آهنگ را که از تماس مستقیم گوینده و شنونده حاصل می‌شود، جزء ویژگی‌های زبانی بیان آوایی در ارزیابی اجتماعی مؤثر می‌داند؛ نقشی دوگانه برای آهنگ در نظر می‌گیرد که یا به سوی شنونده است برای ایفای نقش موافق و شاهد، یا به سوی موضوع گفتار است آن گونه که گویی این موضوع شرکت کننده سوم و حاضر در گفتار است. آهنگ گفتار با موضوع گفتار بدرفتاری کرده یا آن را محفوظ می‌کند یا آن را خوار می‌دارد و یا ارتقا می‌دهد.

گفتار دو وجه دارد: وجهی که از زبان ناشی می‌شود و تکراری است، و وجهی که از بافت و زمینه گزاره ناشی می‌شود و منحصر به فرد است. ممکن است برای شکل‌گیری گفتار، از واژگان و کلمات تکراری با قواعد مشابه استفاده شود؛ اما شرایط تحقق یک گفته و گویندگان و شنوندگان و مکان و زمان برای هر گفته، منحصر به فرد است و هر گفته بافت و شرایطی مختصّ به خود دارد که تکرارنشدنی است.

از ویژگی‌های مهم دیگر گفتار، تناسب با گوینده است یا تناسب با موضوع؛ همچنین گفتار با گفتارهای از قبل تولید شده وارد گفتگو می‌شود.

ویژگی بعدی گفتار در نظر باختین ارتباط هر گفتار با پاره‌گفتارهای پیشین است که این مناسبات را روابط بینامتنی می‌نامد. در نهایت باختین پنج مشخصه بنیادی را برای گفتار معین می‌کند.

وجود حد و مرز در گفتار که با تغییر عاملین گویندگان همراه است، کمال درونی هر گفتار، گفتار بیانگر فاعل خود است و در سخن شفاهی آهنگ بیانگرانه شخص است، گفتار در مناسبت با گفتارهای گذشته و آینده شکل می‌گیرد و در نهایت گفتار خطاب به کسی ادا می‌شود.

کمال گفتار به یک معنا، جنبه درونی تغییر فاعل سخن است و نشانه تشخیص کمال گفتار در امکان پاسخ به آن یا در تحقق امکان پاسخ به آن است.

سه عامل در تعیین کمال گفتار نقش دارند. در سطح موضوع که کامل پرداخته شده باشد یا قصد کلامی گوینده ایفا شده باشد و یا اشکال نوعی گفتار (ر.ک تودوروف، ۱۳۷۷، ۸۹-۱۱۷).

۴. امام صادق علیه‌السلام و مناظره

امام صادق علیه‌السلام در طول حیات خویش با افراد، شخصیت‌ها، ادیان و نحله‌های گوناگونی مواجه بودند که با هر کدام به شیوه‌ای برخورد می‌کردند. یکی از روش‌هایی که امام در برخورد با مخاطبان خویش استفاده می‌کردند روش مناظره است. مناظره یک روش تاریخی است که ائمه در جهت پیشبرد مقاصد خود از آن بهره می‌بردند.

مناظره در اصل با هدف روشن شدن حقیقت بین دو شخص یا دو گروه مناظره کننده برگزار می‌شود. در مجمع البحرین به معنی مجادله (طریحی، ۱۳۶۲، ذیل واژه نظر) و در لغت‌نامه دهخدا «با هم نظرکردن» یعنی فکرکردن در حقیقت و ماهیت چیزی و با هم بحث کردن آمده است (دهخدا، ۱۳۳۷، ذیل واژه).

یکی از تفکرات خطرناکی که در زمان امام صادق علیه‌السلام رواج پیدا کرد، بحث الحاد و مادیگری است. در این دوران گروهی با نام زنادقه به انکار خدا و ادیان آسمان می‌پرداختند. این گروه در همه‌جا حتی مسجدالحرام و مسجدالنبی حاضر می‌شدند و با آزادی و پشتیبانی از سوی دستگاه خلافت، عقاید الحاد و مادیگری را گسترش می‌دادند (مطهری، ۱۳۸۶، ۱۳۱). اینان علاوه بر زیر سؤال بردن و ایجاد شک در اعتقادات مسلمانان، به جعل احادیث، ساختن افسانه‌ها و قصه‌های دروغین، ساختن و پرداختن افراد و عناصری که

وجود خارجی نداشتند، ترجمه کتاب‌های گمراه کننده به زبان عربی و نشر و پخش آن‌ها در میان مردم می‌پرداختند (رفیعی، ۱۳۸۶، ۷۳).

مبارزه با تفکرات مادیگرا و اندیشه‌های الحادی یکی از اساسی‌ترین محورهای فعالیت‌های فرهنگی امام صادق علیه‌السلام بود؛ چرا که این افکار به سرعت در حال تبلیغ و گسترش بودند. امام فعالیت‌های گوناگونی در مواجهه با این گروه داشت که می‌توان سخنرانی و توصیه‌ها و بیانات ایشان در زمینه مباحث اعتقادی همانند مباحث مرتبط با توحید، مناظرات رسمی ایشان با سران و بزرگان مادیگرا همانند اشخاصی مثل ابن‌ابی‌العوجاء، ابن مقفع، زندیق مصری به نام عبدالملک و... را یاد کرد. همچنین می‌توان به گفتگوهای یاران و شاگردان امام با این افراد و ارشادها و نصایح موردی آن حضرت در مواجهه با اشخاص متفاوت اشاره کرد. امام در تمام این برخوردها و مناظرات، با بیانی روشن و منطقی استوار، مبانی اعتقادی اسلام را تبیین و تشریح و ادعای خصم را ابطال و او را در برابر حق وادار به اقرار و اعتراف می‌کرد (رفیعی، بی تا، ۴۱).

۵. ابن‌ابی‌العوجاء

عبدالکریم، ابن‌ابی‌العوجاء یکی از سران مادی‌گرا بود که در قرن دوم زندگی می‌کرد و نسب او از قبیله بکربن وائل است (بلاذری، ۱۹۹۸م، ج۳، ۱۰۵). ابن کثیر نام او را محمد و ابن ندیم نام او را نعمان یاد کرده است (ابن کثیر، ۱۴۰۸ق، ج۱۰، ۱۲۱؛ ابن ندیم، ۱۳۳۶، ۶۰۱). وی را شاگرد حسن بصری یاد کرده‌اند، اما در بحث جبر و اختیار با وی دچار اختلاف شد، لذا او را ترک کرد (مفضل، بی‌تا، ۴۱).

وی با هم‌کیشان خود همواره به دنبال یافتن تناقض در قرآن بود و به استهزاء مسلمانان در مراسم حج می‌پرداخت، اما گاهی اظهار اسلام نیز می‌کرد، لذا سید مرتضی وی را همانند منافقان خطری بزرگ می‌دانست (سیدمرتضی، ۱۹۹۸م، ج۱، ۱۲۸).

او بسیار نزد امام صادق علیه‌السلام برای بحث و مناظره می‌رفت و سعی در محکوم کردن ایشان داشت که هرگز موفق نشد. بیشتر مباحثی که بین او و امام رد و بدل شد، حول محور توحید و خداشناسی است. از این رو مشخص است که وی ملحد بوده و در نهایت نیز

ملحد از دنیا رفت، چرا که امام در مورد او آورده است که او نسبت به اسلام کوردل است و هرگز ایمان نمی‌آورد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج۱، ۷۸).

هرچند که ابن‌ابی‌العوجاء سعی در نشان دادن انواع استدلال و دلایل کلامی و فلسفی برای مباحث خود داشت، اما مباحث وی عقلانی و بر پایه حقیقت نبود، بلکه ناشی از تعصب و وابستگی وی به افکار و عقاید گذشتگان بود. با این وضعیت امام صادق علیه‌السلام باز هم با او بحث می‌کردند و اجازه اظهار عقیده حتی اجازه ارائه افکار متعصب و غرض‌آلود را می‌دادند و نمی‌گذاشتند که سؤال یا نکته‌ای برای او مبهم بماند، حتی او را تشویق به پرسیدن می‌کردند. امام شیوه بحث او را مورد انتقاد قرار می‌داد و می‌کوشید با ارائه استدلال‌های عقلی ومنطقی و بیان نمونه‌های تجربی و تمثیلی به جای استفاده از مباحث پیچیده و اصطلاحات دشوار، پاسخ ابن‌ابی‌العوجاء را بدهد (عظیم‌زاده، ۱۳۸۵، ۹۱).

بحث و مناظرات امام با وی در منابع متقدم شیعه به شرح ذیل ذکر شده است و به خواننده توصیه می‌شود قبل از ورود به بحث اصلی پژوهش به مطالعه مناظرات امام و ابن‌ابی‌العوجاء بپردازد.

التوحید(مفضل)، ص۴۰

الکافی (کلینی)، ج۱، ص: ۷۷

التوحید (صدوق)، ص: ۲۹۶

تهذیب الأحکام (طوسی)، ج۷، ص: ۴۲۱

الأمالی (طوسی)، ص: ۵۸۱

الإحتجاج علی أهل اللجاج (طبرسی)، ج۲، ص: ۳۵۴ و ۳۳۳

مناقب آل أبی طالب علیهم‌السلام (ابن شهرآشوب)، ج۴، ص: ۲۵۷

الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد(مفید)، ج۲، ص: ۲۰۱

۷. واکاوی و تحلیل مؤلفه‌های گفتار باختین در مناظرات

باختین در نظریه خود آورده است برای فهم بهتر یک سخن باید به بازسازی فضایی که گفتار در آن تولید شده پرداخت و مؤلفه‌های گفتار را بررسی نمود. در ادامه مؤلفه‌های گفتار در مناظرات منتخب واکاوی و تحلیل و به بازسازی فضای صدور پرداخته خواهد شد.

۷-۱. مکان ـ زمان

یکی از مؤلفه‌های اصلی در نظریه گفتار باختین مؤلفه مکان و زمان است و بازتاب زمان و مکانی در تشکیل یک گفتار نقش دارد.

در مفهوم کلی مؤلفه‌های مکان و زمان در منطق گفتگویی به معنای صدای زمانه در متن است. صدای عصر و شرایطی که ادیب، شاعر، گوینده یا نویسنده در آن زندگی می‌کنند و به معنای عدم اجتناب و فاصله آفریننده متن از زمانه خویش است (ستاری-مجیدی، ۱۳۹۹، ۱۲۷) و متونی که دارای ویژگی گفتگومندی باشند، بحث مکان و زمان زندگی جامعه خود را مشخص می‌کنند (نامورمطلق، ۱۳۷۸، ۴۰۹).

بیشترین مناظرات امام صادق علیه‌السلام و ابن‌ابی‌العوجاء با توجه به متن مناظرات در زمان مراسم حج و در مسجدالحرام صورت گرفته، زمانی که اجتماع مسلمانان از جاهای مختلف در آن مکان حضور داشته باشند. امام در بین مسلمان به انجام مناظره پرداخته‌اند. لذا حضور جمع کثیر مسلمانان در گرد امام در شکل‌گیری گفتار ایشان نقش بسزایی داشت. با توجه به اسامی که در کنار اسم ابن‌ابی‌العوجاء ذکر می‌شود، مشخص است که به غیر از او، افراد دیگری که از لحاظ فکری به او نزدیک بوده‌اند در آن جمع حضور داشتند و مسلما تأثیر خود را در نحوه ارائه و گزینش موضوع گفتار امام داشته‌اند. بالعکس برای ابن‌ابی‌العوجاء نیز گذشته از امام، حضور جمع مسلمانان همراه با انجام اعمال خاص در تولید گفتار وی نقش اساسی ایفا کرده‌اند. همچنین چون زمان مراسم حج بوده بسیار طبیعی است که آغاز سخن و یا پرسش و پاسخ امام و ابن‌ابی‌العوجاء پیرامون این مسأله باشد. لذا موضوع مورد مناظره بین امام و ابن‌ابی‌العوجاء تحت تأثیر مکان و زمانی که در آن قرار گرفته‌اند، حج انتخاب شده است.

از قرائت آیه «لا جدال فی الحج» توسط امام، این نکته به ذهن می‌رسد که زمان این مناظره در سه روز مناسک حج از روز یوم الترویه به بعد بود، چراکه در این زمان جدال در حج جایز نیست. لذا زمان نقش خودش را در تولید آوای مخالف توسط گوینده در جهت ردّ درخواست شنونده نشان می‌دهد. با توجه به نقش این دو مؤلفه باید گفت که امام بسیار واضح صدای زمانه و مکان ایراد مناظرات را در گفتارش بازتاب می‌داد، چراکه ارائه مباحث حج و اشاره به فلسفه و آیین و مراسم آن، همچنین آفرینش کعبه و نحوه خلقت

آن کاملا بیانگر شرایط انجام مناظرات است که اشاره به بازتاب نقش مکان و زمان در تولید آواهای مدنظر است و مناظرات از بطن شرایط حکایت می‌کنند. بعلاوه ادامه بحث به سمت توحید و صانعیت خداوند در جهت مقابله با آوای متعارض مادیگران در آن زمان بود که در هیچ مکانی از ارائه آن خودداری نمی‌کردند.

۷-۲. گوینده ـ مخاطب ـ موضوع

وجود گوینده و مخاطب مهمترین قسمت نظریه گفتار باختین است. وی حضور مخاطب و گوینده را در یک مکان، اجتماع می‌داند که با حضور این دو، نخستین شرط تشکیل گفتار تحقق می‌یابد. باختین از گوینده یا گویندگان و مخاطب یا مخاطبان به عنوان هم‌سخنان ذکر می‌کند که حضور هر دو برای تولید گفتار الزامی است.

این قسمت مبنای اصلی نظریه باختین را تشکیل می‌دهد که شامل سه مؤلفه فرستنده، پیام و گیرنده است. از نظر وی فرستنده دائما در حال ارسال پیام به گیرنده است.

در مناظرات ذکر شده، گوینده یا امام صادق علیه‌السلام است و یا ابن‌ابی‌العوجاء و یا دوستان و هم‌فکران ابن‌ابی‌العوجاء و بالعکس، جای گوینده و شنونده یا مخاطب در هر سخن عوض می‌شود.

هر یک از دو طرف مناظره یکدیگر را می‌شناسند و با توجه به شناخت و دانش زمینه‌ای که از قبل نسبت به یکدیگر دارند، به انتخاب موضوع و انتخاب واژگان و حتی القاب می‌پردازند. گذشته از مخاطب مورد نظر، حضور اجتماع عظیم مسلمان و یا حتی حضور افراد غیرمسلمان در تولید آوای گویندگان مناظره نقش دارد و سهمی‌از گزینش موضوع گویندگان را به عهده می‌گیرد.

آواهای مختلف رقیب مخاطبان باعث موضع‌گیری‌های ایدئولوژیکی متنوعی می‌شوند و می‌توانند بدون داوری و به طور مساوی در گفتگو درگیر و در انتخاب موضوع تأثیر بگذارند (مقدادی، ۱۳۹۳، ۴۵۲).

اما گفتار، از سویی ناظر به گوینده است و شناسایی گوینده و افق ایدئولوژیک او را در پی دارد. امام به عنوان رهبر دینی و فردی که همه ایشان را به عنوان عالِم قبول

سال بیست و یکم، شمارهٔ ۸۲، بهار ۱۴۰۳

دارنـد، در گفتـار خـود ـ بـا وجـود این‌کـه مهـارت و توانایـی بالایـی در اسـتدلال دارد و در مناظـره طـرف مقابـل را مغلـوب می‌سـازد ـ جانـب ادب را رعایـت کـرده و در هـر صـورت بحـث هدایـت و روشـنگری را پـی می‌گیـرد کـه در گفتارشـان مشـخص اسـت. همچنـان کـه حضـور انـواع مخاطبـان سـهم خـود را در گفتـار امـام نشـان می‌دهـد. ایشـان بـا توجـه بـه جمعیـت مسـلمانان بـا میـزان درجـه ایمـان و علـم متفـاوت و طبقـات گوناگـون و از طرفـی حضـور افـراد ملحـد و مادّیگـرا کـه هـر سـاله در مسـجدالحرام هنـگام مراسـم حـج بـه بهانه‌هـای مختلـف حضـور پیـدا می‌کردنـد، محـور سـخنان خـود را کعبـه ـ یعنـی پایـگاه دائمـی توحیـد ـ قـرار داده و در ادامـه بـا رویکـرد مکالمه‌گرایـی و بـه سـخن واداشـتن مخاطـب، بـه ارائـه مباحـث توحیـد و یگانه‌پرسـتی پرداخته‌انـد، بـه گونـه‌ای کـه منطـق گفتـار ایشـان ناظـر بـه همـه مخاطبـان باشـد و آوای همـه آنـان را دربرگیـرد، هـر یـک را بـه طریقـی درگیـر بـا ایـن مکالمـه کنـد. ایـن مناظـرات و گفتـار امـام را می‌تـوان پیـام تلقـی کـرد، پیامـی دینـی، سیاسـی و فرهنگـی کـه بـه سـوی همـه گیرنـدگان حاضـر ارسـال می‌شـود. از طرفـی همـه شـنوندگان و گیرنـدگان سـهم خـود را در ایـراد گفتـار امـام دریافـت می‌کننـد، چـرا کـه ایشـان یـا در مقـام پاسـخ دادن بـه سـؤال یـا بـه ایـراد سـخن بـرای روشـنگری در راسـتای مغلـوب سـاختن گفتمـان مقابـل و برجسته‌سـازی گفتمـان توحیـد و اسـلام هسـتند. حضرتـش بـا توجـه بـه شـناخت عقایـد ابن‌ابی‌العوجـاء و گسـترش پدیـده الحـاد در جامعـه آن روزگار، بحـث را بـه سـمت مباحـث توحیـد و خداشناسـی می‌کشـانند و سـعی در رفـع شـبهات بـه وجـود آمـده بـرای همـه مخاطبـان بـا آواهـای گوناگـون دارنـد.

لـذا در اینجـا نقـش مخاطـب یـا مخاطبـان در جهـت شـکل‌گیری گفتـار گوینـده بـه وضـوح مشـخص اسـت و ایـن ارزیابـی شـخصیت مخاطـب و فضـای حاکـم بـر گفتمـان حاضـر، خـود پیشـاپیش موضـوع گفتـار را بـرای گوینـده تحـت تأثیـر قـرار می‌دهـد.

در همیـن قسـمت بحـث دو وجهـی بودنِ گفتـار نیـز عیـان می‌شـود. گفتـار متأثـر از بافـت و منحصـر بـه فـرد اسـت، لـذا حضـور نـوع مخاطـب و فضـای حاکـم بـر گفتگـو در تولیـد گفتـه مؤثـر اسـت و حـادث بـودن گفتـار تحـت شـرایط ثابـت می‌شـود.

۷-۳. حد و مرز و کمال درونی

دو ویژگی دیگری که باختین برای گفتار مشخص کرده وجود حد و مرز و کمال درونی یک گفته است. تمامی گفتارهایی که در طول مناظره امام و ابن‌ابی‌العوجاء رد و بدل شده است دارای حدود مشخص است و اولین راه شناخت آن تکمیل واژگان سخن و تکمیل معناست. جملات به صورت کامل مطرح شده و هر کلمه در جای خود قرار گرفته همچنان که معنا نیز همزمان با تکمیل جمله کامل شده است و هیچ نارسایی ندارد. تغییر مداوم گویندگان فعال در مناظره و جابه‌جایی نقش گوینده و مخاطب، حکایت از مشخص بودن حد و مرز سخن و گفتار هر یک از طرفین دارد. این‌که امام بلافاصله بعد از پرسش ابن‌ابی‌العوجاء به ارائه جواب می‌پردازند و یا این‌که با مطرح‌کردن پرسش از او، سخن خود را تمام کرده و منتظر پاسخ می‌مانند، این رفت و آمد گفتگو برای هر یک از فاعلان گفتگو مرزبندی مشخصی دارد و آوای هر یک در سر جای خود در این تعامل قرار می‌گیرد. توجه به این نکته ضروری است که امام بدون این‌که وارد استدلال طولانی با طرف مقابل شود با طرح پرسش از وی و با توجه به سخنان و پاسخ مخاطب، او را محکوم می‌کند. این موضوع علاوه بر این‌که حاکی از طرز استدلال امام و زبردستی ایشان نسبت به طرف مقابل است نشان دهنده استفاده امام از گفتار ساده و کوتاه و عدم استفاده از استدلال‌های پیچیده و غیرعادی است که برای همه حضار محسوس و قابل درک باشد و در عین حال پیام مورد نظر توسط مخاطبین دریافت شود. لذا هر گفتار هر چند ساده و یا کوتاه چون که از حد و مرز درونی و تکامل برخودار باشد می‌تواند نقش خود را جریان یک مکالمه بازی و گوینده را به هدف مورد نظر در رساندن پیام موفق سازد.

باختین سه راه برای شناخت کمال درونی گفتار نام برده که در مناظرات دیده می‌شوند. مناظرات هم از نظر شکل نوعی گفتار کامل بوده و هم به موضوع مورد نظر کامل پرداخته‌اند. از طرفی مقصود گوینده نیز از ایراد سخن به تحقق پیوسته و این مورد در گفتار رد و بدل شده به وضوح قابل دیدن است. لذا فرایند تولید گفتار هم از نظر زبان‌شناسی و هم معناداری و هم رسیدن به هدف که بیان مقصود گوینده است کاملا شکل گرفته است.

۷-۴. ینامتنیت

ویژگی مهم و بنیادی دیگری که باختین در منطق گفتگویی بسیار روی آن تأکید دارد، روابط بینامتنی است که بین یک گفتار و گفتارهای قبل می‌تواند وجود داشته باشد. هر گفتار ناظر به گفتارهای از قبل تولید شده است و آوایی از آن‌ها با خود دارد. این یک امر اجتناب‌ناپذیر و دائمی در فرایند تولید یک گفته یا سخن است.

مراد باختین از گفتگویی بودن متن در ابتدا این است که یک متن با متون و آثار قبل و بعد خودش امکان و توانایی گفتگو را داشته باشد، زیرا زمینه مکالمه بدون مرز است. ویژگی گفتگویی بودن متون و آثار بیانگر این است که این آثار و متون به صورت لحظه‌ای و آنی و بدون سابقه و در خلأ به وجود نمی‌آیند و خلق نمی‌شوند بلکه در پیوند و تعامل با آثار قبلی و پیشین خود آفریده می‌شوند و بر آثار بعد از خود تأثیر می‌گذارند (لطیف‌پور و همکاران، ۱۳۹۶، ۱۰۲).

در این مناظرات هر دو طرف مناظره در گفتار خود از متون یا گفتارهای پیشین استفاده کرده و نقش آن در شکل‌گیری گفتار جدید مشخص است. امام نیز از این امر در جهت تقویت آوای خود بهره جسته‌اند، گاهی این امر با ارجاع و یا استناد به آیه‌ای از قران کریم است. به عنوان نمونه امام در توضیح صفات خداوند به آیه «نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ» (ق: ۱۶) اشاره می‌کند و آفرینش سخن خود را با آوای کتاب مسلمان قرین ساخته و محور و معیار گفتار خود را نشان می‌دهد و از این طریق پیوند خود با قرآن را یادآوری کرده و در جهت تقویت استدلال خود از آن بهره می‌برد در ضمن این‌که با استفاده ازین آیه به تقابل با آوای رقیب زمان خویش که بحث عدم صانع و خالق است، می‌پردازد.

همچنین ابن‌ابی‌العوجاء که با سخنان خود سعی در نشان دادن جهان منهای خالق دارد و عدم دیدن خداوند را با چشم سر ملاک این عقیده قرار می‌دهد گفتار خود را بر پایه نظریات الحاد و مادیگری که در آن زمان و حتی قبل از آن وجود داشته استوار می‌سازد، از مثال و ملاک‌های آنان استفاده نموده، دلایل آنان را تکرار می‌کند. آوای الحاد و کفر گروهی خاص را در سخنان خود معیار قرار می‌دهد. لذا حضور متون و گفته‌های موجود از قبل در

ایراد و تولید گفتارهای جدید در مناظره غیرقابل انکار است. هر گفتار به ناچار ردپایی از گفتارهای ماقبل را چه آگاهانه و یا غیرآگاهانه با خود دارد که در شکل‌گیری گفتار مؤثرند.

۷-۵. حالت، آوا، آهنگ

توجه به این مؤلفه‌ها چه در بحث زبانی و چه غیرزبانی و بافت تأثیر زیادی در بازسازی فضای تولید گفتار دارد. باختین کارکرد اجتماعی زبان و محتوا را هم‌سنگ و برابر با جنبه‌های زیبایی‌شناسی و زبان اثر با اهمیت می‌داند (پاینده، ۱۳۹۲، ۱۲) و باید حتما به آن توجه کرد. این‌که امام بیشتر مناظره و سخن خود را به ایراد سؤال پرداخته و یا از افعال پرسشی در شکل‌گیری زبانی گفتار استفاده کردند نشان از غلبه و برتری تفکر و گفتمان ایشان است.

از سوی دیگر علاوه بر مباحث زبان‌شناختی نوع کنش و حالتی که امام از مخاطب خود دریافت کرده‌اند فضای این برتری و غلبه را عیان می‌سازد. این‌که پایان بسیاری از مناظرات با سکوت، تحیر یا تعجب و شگفتی ابن‌ابی‌العوجاء ـ یکی از سران و بزرگان الحاد- به جای گفتار همراه بود یا برخاستن و ترک کردن صحنه به جای ادامه گفتگو از سمت وی، تداعی کننده فضای گفتگویی مناظرات است که مخاطبان را به سوی آوای امام جذب نموده و امام را در به چالش کشیدن طرف مقابل و آگاهی ساختن مخاطبان موفق نشان می‌دهد. لذا توجه به حالات روانی و یا حتی جسمانی طرفین در مناظره و گفتگو به عیان ساختن فضای تولید مناظرات ضروری به نظر می‌رسد. کما این‌که توجه به این حالات فهمی کامل‌تر از متن و گفتمان غلبه را به همراه خواهد داشت و نشان از عدم پشتوانه عقلی و استدلالی مادیگران دارد که در مقابل گفتمان امام عقب‌نشینی کرده و یا دست به اقرار و اعتراف زده‌اند.

باختین گفتار را یا به سوی موضوع و یا به سوی شنونده می‌دانست. زمانی که امام با پرسش از ابن‌ابی‌العوجاء سخن خود را آغاز یا ادامه می‌دهند گفتارشان ناظر به موضوع سخن در حال گفتگو است. پرسش یکی از مهم‌ترین ارکان برای تداوم یک گفتگو محسوب می‌شود (احمدی، ۱۳۷۸، ۹۳)؛ اما آن هنگام که به بیان مباحث توحید و وجود صانع می‌پردازند گفتارشان ناظر به

شنونده است چرا که با توجه به عقاید و روحیات طرف مقابل این نوع سخن گفتن و مضامین را برمی‌گزینند و این رابطه از آهنگ گفتار مشخص خواهد شد.

۸. نتیجه‌گیری

نظریه گفتگومندی باختین به عنوان یک مدل و الگو برای تحلیل و فهم بهتر متون کارامد است. استفاده از روش‌های جدید در خوانش متون کهن و دینی در فهم جامع‌تر این متون کمک می‌کند. بررسی مؤلفه‌های گفتار و در نظرگرفتن هر یک در شکل‌گیری یک سخن، بازسازی بافت و موقعیت فضای تولید سخن را در دل تاریخ در پی دارد و تعمیق فهم سخن را منجر می‌شود.

با بررسی که صورت گرفت هر یک از مؤلفه‌های گفتار باختین در مناظرات امام با ابن‌ابی‌العوجاء نقش خود را نشان می‌دهد و به آشکار ساختن آواهایی جدید که خود را در متن و حاشیه مناظره پنهان کرده‌اند، می‌پردازد. زمان انجام مراسم حج و حضور خیل مسلمانان و غیرمسلمانان در مسجدالحرام در ایراد سخنان و گفتار امام سهمی ویژه دارد و عموما آغازگر این سخنان در مورد حج و مسائل مرتبط با آن است.

نقش مکان و زمان در انتخاب موضوع برای گوینده و حضور انواع مخاطبان با رویکردهای متنوع در مقابل گوینده، در نحوه گفتار و انتخاب موضوع وی تأثیرگذار است. همچنین گوینده با توجه به پیش‌فرض‌های خود و انواع آواهایی که با خود دارد به ایراد سخن پرداخته که نقش مؤلفه بینامتنیت را پویا نشان می‌دهد. نوع آهنگ و حالت سخن و همچنین انتخاب جملات پرسشی یا خبری نیز در کنشی که گوینده از مخاطب دریافت می‌کند مؤثر است.

فهرست منابع

قرآن کریم

ابن‌الندیم، محمدبن اسحاق(۱۳۶۶ش)، **الفهرست**، ترجمه و تحقیق محمدرضا تجدد، تهران: امیرکبیر، ص۶۰۱.

ابن‌کثیر، اسماعیل بن عمر(۱۴۰۸ق)، **البدایه و النهایه**، تحقیق علی شیری، بیروت: داراحیاء التراث العربی،

ص۱۲۱.
احمدی، بابک(۱۳۷۸ش)، **ساختار و تاویل متن**، تهران: نشر مرکز، ص۹۳.
انصاری، مسعود (۱۳۸۲ش)، **دموکراسی گفتگویی**، تهران: نشر مرکز، چاپ اول، ص۱۱
بلاذری، احمدبن‌یحیی(۱۹۹۸م)، **انساب الاشراف**، تحقیق محمود الفردوس العظم، دمشق: دارالیقظه العربیه، ص ۱۰۶ و ۹۶.
پاینده، حسین(۱۳۹۲ش)، **گشودن رمان**، تهران: نشر مروارید، چاپ اول، ص۱۲.
تودوروف، تزوتان(۱۳۷۷ش)، **منطق گفتگویی میخائیل باختین**.ترجمه داریوش کریمی.تهران: نشر مرکز. چاپ اول، ۸۱ الی۱۱۷.
دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۳۷ش)، **لغت‌نامه دهخدا**، تهران: دانشکده ادبیات فارسی و علوم انسانی، سازمان لغت‌نامه، ذیل واژه.
رفیعی، علی(۱۳۸۶ش)، **امام صادق و اصلاحات فرهنگی**، فصلنامه پیام، شماره ۸۵، صص۶۷-۸۴.
رفیعی، علی(بی‌تا)، **تاریخ اسلام در عصر امامت امام صادق و امام کاظم**علیهما‌السلام، ناشر دیجیتالی: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ص۴۱.
ستاری الهه، مجیدی حسن (۱۳۹۹ش)، **نقد و بررسی خطبه قاصعه نهج البلاغه در پرتو نظریه منطق گفتگویی باختین**، فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه، سال هشتم، شماره ۹، صص۱۱۷-۱۳۱.
سیدمرتضی، علی‌بن‌حسین(۱۹۹۸م)، **امالی مرتضی**، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره: دارالفکرالعربي، چاپ اول، ص۱۲۸.
طریحی، فخرالدین بن محمد(۱۳۶۲ش)، **مجمع البحرین**، تحقیق احمد الحسینی، تهران: نشر مرتضوی، ذیل واژه.
عظیم‌زاده طهرانی، طاهره(۱۳۸۵ش)، **ابن‌ابی‌العوجاء و امام صادق**، فصلنامه تاریخ اسلام، سال هفتم شماره ۲۸، صص۸۱-۱۰۰.
کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، **الکافی**، تحقیق علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دار الکتب الإسلامیة، چاپ چهارم، صص۷۵-۷۸.
لطیف‌پور، عبدالله و همکاران (۱۳۹۶ش). **منطق گفتگویی و چند صدایی در رمان «گورستان غریبان»** ابراهیم یونسی، فصلنامه زبان و ادب فارسی، سال نهم، شماره۳۳، صص ۹۸-۱۲۳
مطهری، مرتضی(۱۳۸۶ش)، **سیری در سیره ائمه اطهار**، تهران: صدرا، چاپ سی و سوم، ص۱۳۱.
مفضل بن عمر(بی تا)، **توحید المفضل**، تحقیق کاظم مظفر، قم: نشر داوری، چاپ سوم، ص۴۱و۴۰.
مقدادی، بهرام(۱۳۹۳ش)، **فرهنگ اصطلاحات نقد ادبی**، تهران: فکر روز، ص۴۵۲.
نامورمطلق، بهمن(۱۳۷۸ش)، **باختین گفتگومندی و چندصدایی**؛ مطالعه پیشابینامتنیت باختینی، پژوهشنامه علوم انسانی، شماره ۵۷، سال ۱۹، صص۱۶۶-۱۸۸